

کندوکاوی کیفی در پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر در جنوب استان کرمان

سوده مقصودی،* امید عزیززاده،** مریم رضایی***

چکیده

پژوهش حاضر، پدیده قاچاق مواد مخدر را در جنوب استان کرمان از نظر افراد درگیر در آن مورد بررسی قرار می دهد. روش‌شناسی پژوهش، کیفی و از ابزار نظریه زمینه‌ای برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. داده‌های کیفی این پژوهش با استفاده از تکنیک مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق گردآوری شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری و معیار اشباع نظری که خاص تحقیقات کیفی است، با ۱۴ نفر از افرادی که تجربه‌ی قاچاق داشته‌اند مصاحبه عمیق صورت گرفته است. یافته‌های به دست آمده شامل هفت مقوله عمده به شرح زیر هستند: شبکه‌ی همیاران قاچاق، ضمانت‌های غیررسمی، دادرسی محلی و مبادله اقتصادی و اجتماعی، مخبرها، یاغی‌گری و قاچاق و پول شویی در لفاف کار آبرومندان. مقوله هسته نیز "میدان قاچاق مواد مخدر" است که سایر مقولات را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قاچاق، روش کیفی، استان کرمان، میدان قاچاق مواد مخدر.

*. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

smaghsoodi@uk.ac.ir

omid0205@yahoo.com

rezaei84@ens.uk.ac.ir

** دانشجوی دکتری دانشگاه شهید باهنر کرمان

*** دانشجوی دکتری دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۵

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۵۷-۲۸۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

قاچاق مواد مخدر یکی از بازارهای خطرناک قاچاق و معاملات غیرقانونی جهانی است. مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۸ مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق مواد مخدر شامل تولید، ساخت، تقطیر، تهیه، عرضه برای فروش، توزیع، تحویل، واسطه‌گری، ترانزیت، حمل‌ونقل، واردات، صادرات، کشت مواد مخدر و روان‌گردان‌هاست (مرتضوی، ۱۳۸۸). هزاران کیلوگرم از مواد مخدر غیرقانونی روزانه از مرزهای بین‌المللی قاچاق شده و باعث می‌شود تعداد بی‌شماری از افراد به دام اعتیاد و خشونت کشانده شوند. هم‌زمان با ورود تعداد زیادی از افراد به شبکه و باندهای قاچاق مواد مخدر، قاچاق مستقیماً موجب قتل صدها نفر می‌شود (جنر، ۲۰۱۲: ۹۰۱).

از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ تولید جهانی تریاک، با ۶۵ درصد افزایش، به ۱۰۵۰۰ تن رسیده است، که بالاترین میزان تخمین‌زده‌شده از سوی سازمان ملل متحد از زمان شروع نظارت بر تولید جهانی تریاک در آغاز قرن بیست‌ویکم است. تخمین زده شده است که یک‌سوم تا یک‌پنجم از درآمد حاصل از فروش مواد مخدر توسط گروه‌های جنایت‌کار سازمان‌یافته بین‌المللی در سراسر جهان در سال ۲۰۱۴، به دست آمده است. اما براساس یک مطالعه، معاملات مواد مخدر بین سپتامبر ۲۰۱۳ و ژانویه ۲۰۱۶ افزایش سالانه‌ای معادل ۵۰ درصد داشته است (گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۸).

یکی از آثار طولانی‌مدت قاچاق مواد مخدر، درگیر شدن افراد زیادی در این زنجیره است که بنابر آمارها حدود ۸۰ درصد آنان را جوانان تشکیل می‌دهند و مرتکب جرائمی همچون سرقت، فروش مواد و حتی دزدی می‌شوند و اغلب این جرائم با خشونت صورت می‌گیرد (بنسون، ۲۰۱۰: ۱۳۲). همراه با رشد، توزیع و مصرف مواد مخدر، شاهد افزایش نرخ زندانیان نیز هستیم. همچنین قاچاق مواد مخدر به‌طور معنی‌داری انواع دیگر جرائم از جمله تجاوز، جرائم همراه با خشونت، وندالیسم و رفتارهای غیرطبیعی و ناپه‌نجان را افزایش داده و به اقدامات غیرقانونی اقتصادی همچون پول‌شویی منجر می‌شود. علاوه‌براین، قاچاق مواد، قاچاق انسان و به تبع آن، تهدید امنیت کشورها را نیز به همراه دارد (نیرلا، ۲۰۱۲: ۲۶۰). افزایش قاچاق مواد مخدر (مخصوصاً از نوع سازمان‌یافته) درگیری‌های مرزی و نزاع‌های خشونت‌بار را به وجود می‌آورد و باعث قتل و جرائم مرگ‌بار و خشونت‌بار می‌شود (ماگالونی و گابریلا، ۲۰۱۲: ۱۳۲). استفاده و

1. Jenner
2. Benson
3. Nirilla
4. Magaloni & Gabriela

قاچاق مواد، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، امنیت و راحتی و رفاه یک کشور را شدیداً تهدید می‌کند (بهره، ۲۰۱۳: ۲۳۸).

با توجه به مرزهای گسترده ۱۹۲۵ کیلومتری ایران با افغانستان و پاکستان به‌عنوان دو کشور اصلی تولیدکننده تریاک و هروئین، امکان استفاده قاچاقچیان از ایربهران، هم به‌عنوان بازاری برای مصرف و هم کانالی برای ترانزیت موادمخدر فراهم شده است (کرمی و اعتمادی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۰۲). در واقع، در ایران به دلیل عوامل ژئوپلیتیکی و همسایگی با کشورهای تولیدکننده موادمخدر و وجود بازارهای مصرف داخلی و تقاضا برای آن‌ها، بازار قاچاق موادمخدر همچنان پررونق است. الگوی توزیع موادمخدر در ایران حاکی از آن است که میزان قاچاق هروئین از ۲۴ درصد در سال ۷۶، به ۲۸ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. این امر حاکی از آن است که تقاضا برای هروئین به‌منظور مصرف داخلی افزایش یافته است (کرمی و اعتمادی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۱).

سود سرشار حاصل از ترانزیت موادمخدر، به دلیل تقاضای فراوانی که برای آن وجود دارد، موجب شده تا شبکه‌های گسترش مواد، خصوصاً در مناطقی که در تیررس محورهای ترانزیتی قرار دارند، گسترش یابد؛ به همین دلیل، پیش‌بینی‌پذیر است که علی‌رغم افزایش موانع عینی و حقوقی به‌منظور کاهش ورود موادمخدر به ایران، همچنان نرخ ترانزیت این موارد به داخل کشور بالا باشد. همان‌طور که اشاره شد، این مسئله صرفاً محدود به ایران نیست، بلکه کشورهای متقاضی مواد از سویی و کشورهای نزدیک به محورهای ترانزیت مواد از سوی دیگر بیشترین گروه‌های هدف برای انتقال و توزیع موادمخدر محسوب می‌شوند. با وجود تمامی تلاش‌های قوای امنیتی و انتظامی داخلی و بین‌المللی، تجارت موادمخدر، به دلیل سود سرشاری که دارد، هر ساله افزایش ۱۰ درصدی داشته است. همچنین شبکه‌های توزیعی نیز گسترش فراوان یافته و محورهای انتقال و توزیع به‌شدت گسترده شده است (کرمی و اعتمادی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۰)، به‌طوری‌که اکنون بیش از ۵۰ درصد از زندانیان امروز کشور، به‌نحو مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با خرید و فروش و مصرف موادمخدر دستگیر و زندانی شده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

آمارها از میزان بالای ورود موادمخدر به ایران حکایت دارد. کل میزان موادمخدر ورودی به کشور (کشف‌شده) در سال ۱۳۹۴ به ۶۲۰۲۶۷ کیلوگرم و در استان کرمان به ۱۰۵۱۳۰ کیلوگرم می‌رسد. در میان موادمخدر، بیشترین میزان کشفیات مربوط به تریاک است. میزان کشفیات تریاک در کل کشور ۴۷۱۵۵۹ کیلوگرم و در استان کرمان ۸۳۷۶۵ کیلوگرم است. میزان کشفیات حشیش در کل کشور ۱۰۰۲۰۸ کیلوگرم در کشور و در استان کرمان ۱۵۴۰۴ کیلوگرم است. همچنین، حجم هروئین کشف‌شده در کل کشور ۱۷۹۷۲ کیلوگرم و در کرمان

۳۲۱۱ کیلوگرم ارزیابی شده است. از میان دیگر موادمخدری که در استان کرمان به میزان زیادی وجود دارد، می‌توان به مرفین اشاره کرد که در کل کشور ۸۲۷۶ کیلوگرم و در استان کرمان ۲۴۶۰ کیلوگرم کشف شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

آمارهای منتهی به سال‌های ۹۶ و ۹۷ از میزان بالای قاچاق موادمخدر در شهرستان کهنوج و رودبار جنوب استان کرمان حکایت دارد. فرمانده انتظامی رودبار جنوب از دستگیری قاچاقچی حرفه‌ای و تحت تعقیب موادمخدر در این شهرستان خبر داد و گفت: «از این فرد طی سال‌های ۹۲ و ۹۳ بیش از ۳ هزار و ۲۰۰ کیلوگرم تریاک کشف شده بود.» (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸). دادستان رودبار جنوب در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا بیان می‌کند در نیمه نخست مرداد سال جاری با اشراف اطلاعاتی مناسب و حضور مقتدرانه، ۶ باند قاچاق موادمخدر متلاشی و بیش از یک تن و ۷۰۰ کیلوگرم تریاک کشف و ۱۰ قاچاقچی به همراه هفت دستگاه خودرو کشف و ضبط شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸).

فرمانده انتظامی استان کرمان از کشف ۶۱ تن و ۵۱۰ کیلوگرم انواع موادمخدر طی هشت ماه امسال در استان خبر داد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۵). باشگاه خبرنگاران جوان کشفه ۱۶۵ کیلوگرمی موادمخدر از نوع تریاک در رودبار جنوب را اعلام کرد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷).

بنابراین می‌توان گفت که قاچاق موادمخدر از مسائل و معضلات مهم در کشور ایران با بافت جمعیتی جوان و شرایط اجتماعی خاص خود است. مسئله‌ای که امروز از مرز مسئله و پدیده گذشته و به بحران اجتماعی تبدیل شده است و در صورتی که مورد بررسی قرار نگیرد، انبوهی از مسائل دیگر را به وجود خواهد آورد. قاچاق موادمخدر، بزرگ‌ترین جرم با ابعاد بین‌المللی است که خود منشأ بسیاری از جرائم دیگر است. عبور و مرور غیرمجاز از مرزها، حمل اسلحه، ارتکاب قتل و جنایت برای حفظ و انتقال موفق مواد، گروگان‌گیری، پول‌شویی، خروج غیرمجاز، سرقت، ایجاد رعب و وحشت توسط قاچاقچیان مسلح و... از جمله مصادیق این جرائم است (یاوری بافقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۰۹). عمل مجرمانه قاچاق همبستگی بالایی با جرائم ذکرشده در استان کرمان در سال‌های اخیر نشان داده و بیانگر آن است که این عوامل انطباق زیادی با مناطق تحت نفوذ و مسیر قاچاقچیان موادمخدر دارند (ویسی، ۱۳۹۴: ۱۸).

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که فرایندها و سازوکارهای قاچاق موادمخدر در بین افرادی که خود تجربه زیسته‌ای در این کار دارند، چیست. در واقع، هدف اصلی تحقیق، کشف این موضوع است که خود افراد چه تعریف و برساخته‌ای از این پدیده دارند.

۲. پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات متعددی در سطح ملی و جهانی در حوزه قاچاق موادمخدر انجام گرفته‌اند. این پژوهش‌ها به بررسی شرایط ساختاری ایجادکننده این پدیده پرداخته و یا تبعات این پدیده را مورد تفحص قرار داده‌اند. آنچه در مطالعات مورد بررسی بیشتر مدنظر بوده است، ساختارهای ایجادی یا تبعات ناشی از آن است. به‌طور مثال، ویسی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه قاچاق مواد و کاهش امنیت و بالارفتن شاخص‌های ناامنی ناشی از پدیده قاچاق در استان کرمان، به تفکیک شهرستان‌ها پرداخته است. موسایی و گرشاسبی (۱۳۸۹) رابطه بین بیکاری و گرایش به قاچاق را مورد بررسی و تدقیق نظر قرار داده و بیکاری مجدد و کاهش مهارت و تخصص نیروی کار را از تبعات قاچاق برشمرده‌اند. بندریان (۱۳۸۹) فقر مالی و فرهنگ و کمبود سرمایه‌گذاری را از دلایل پیدایش قاچاق ذکر کرده است. نیریلا (۲۰۱۲) چالش‌های جدید پیش روی جوامع و به خطر افتادن امنیت را پیامد پدیده قاچاق برشمرده است. وابلز (۲۰۱۲) معتقد است که قاچاق نه‌فقط هزینه‌های اقتصادی متعددی را بر دولت‌ها بار می‌کند، بلکه به بیکاری و خشونت هم منجر می‌شود. روندا (۲۰۱۱) دلایل طبیعی و جغرافیایی و تاریخی-اقتصادی و سیاسی مؤثر بر قاچاق را بررسی کرده است.

اما در میان تحقیقات انجام‌شده چند نکته برجسته است: اولاً در این تحقیقات، به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه کمتر توجه شده، ثانیاً از مطالعات و پژوهش‌های کیفی و تفسیری که نشان‌دهنده رویکرد امیک و درون‌نگرانه مردم جامعه مورد مطالعه باشد چشم‌پوشی شده است، به‌طوری که به لحاظ روش‌شناسی عمده این تحقیقات با روش کمی، اسنادی و مبتنی بر رویکرد پوزیتیویستی انجام شده‌اند. درواقع، با اینکه در کتاب‌ها و مقالات مختلفی قاچاق موادمخدر بررسی شده است، اما با کم‌توجهی به بررسی‌های کیفی و تفسیری، تا حد زیادی به بررسی در سطح کلان و نگاه تعمیم‌یافته به این مسئله پرداخته‌اند. این تحقیقات اگرچه داده‌های نسبتاً مفصل و زیادی درباره موادمخدر در اختیار قرار می‌دهند، اما بیشتر زبانی نخبه‌گرا و تعمیم‌گرایانه دارند و از آنجاکه اکنون ما با تکرر زیست‌جهان‌ها مواجه‌ایم، چنین تحقیقاتی در عصر پایان فراروایت‌ها، این تکرر زیست‌جهان‌ها را نادیده می‌گیرند.

در این پژوهش سعی شده است از نظر افراد بومی و درگیر در منطقه به قاچاق مواد پرداخته شود. درواقع قصد محققان این است که ببینند چه تعریف و برساختی از قاچاق موادمخدر در منطقه وجود دارد؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال از رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی استفاده شده است. رویکرد برساخت‌گرایی در پارادایم تفسیر اجتماعی قرار دارد و بر این فرض استوار است که فرایند تعریف و تاریخ طبیعی یک مسئله اجتماعی مهم‌تر از شرایط و موجودیت

واقعی همان مسئله است. در واقع، در حالی که پارادایم مسلط در جامعه‌شناسی با طرح سؤالاتی تبیینی و با تأکید بر اندازه‌گیری آماری، عینیت، پیش‌بینی‌پذیری و مداخله بهتر در مسائل اجتماعی، همچنان مسائل اجتماعی را عینی و کمی تلقی می‌کند، در این تحقیق تأکید بر رویکردی است که بر ماهیت ذهنی، تعریفی، فرایندی و برساخت‌گرایانه مسائل اجتماعی تأکید دارد. محققان در این پژوهش به دنبال کشف و بررسی فرایندها، سازوکارها و فرهنگ غالب بر قاچاق مواد مخدر جنوب استان کرمان هستند.

۳. روش‌شناسی

روش‌شناسی مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی است که به هر روشی گفته می‌شود که داده‌های آن با استفاده از روش آماری یا دیگر روش‌های مبتنی بر اندازه‌گیری به دست نیامده باشد (کوربین و اشتروس،^۱ ۱۹۹۸: ۱۱). از میان روش‌های کیفی، در این تحقیق از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای ابتدا توسط بارنی گلیزر^۲ و انسلم اشتروس^۳ مطرح شد؛ منظور گلیزر و اشتروس از نظریه زمینه‌ای نظریه‌ای است که از داده‌ها استخراج شده و به‌طور سیستماتیکی از طریق فرایند تحقیق، از داده‌ها جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است (کوربین و اشتروس، ۱۹۹۸: ۱۱).

چارماز میان دو نوع نظریه زمینه‌ای تمایز قائل است؛ این دو نوع عبارت‌اند از نظریه زمینه‌ای سازه‌گرایانه^۴ و نظریه زمینه‌ای عینیت‌گرا.^۵ رویکرد سازه‌گرایانه اولویت را به پدیده مورد مطالعه می‌دهد و پدیده را برساخته تعامل محقق و مشارکت‌کنندگان می‌داند و به این موضوع توجه دارد که چطور مشارکت‌کنندگان معانی و کنش‌ها را در موقعیت خاصی برمی‌سازند. در مقابل، رویکرد عینیت‌گرا در سنت اثبات‌گرا ریشه دارد و داده‌ها را به‌مثابه اموری واقعی در نظر می‌گیرد. در این رهیافت، معنا در درون داده‌ها ذاتی است و محقق صرفاً آن را کشف می‌کند و از این نظر واقعیت بیرونی در انتظار کشف است (چارماز،^۶ ۲۰۰۶: ۳۱). در این تحقیق از رویکرد سازه‌گرایانه استفاده شده است که چارماز (۲۰۰۶، ۲۰۰۸) نیز بر آن تأکید می‌کند و واقعیت را فرایندی برساختی و حاصل تعامل محقق و مشارکت‌کنندگان می‌داند.

1. Corbin, Strauss
2. Barney Glazer
3. Anselm Strauss
4. Constructivist grounded theory
5. Objectivist grounded theory
6. Charmaz

از آنجاکه قاچاقچیان موادمخدر را نمی‌توان با روش کمی و تکنیک پرسش‌نامه مورد سؤال قرار داد و از آنجاکه دادن اطلاعات درباره این موضوع، فرد را با ترس و برچسب منفی مواجه می‌کند، محقق باید ضمن صرف وقت فراوان جهت جلب اعتماد افراد، با آن‌ها مصاحبه عمیق انجام می‌داد؛ بنابراین، فقط روش کیفی و آن هم نظریه زمینه‌ای می‌توانست روش مناسبی برای جمع‌آوری اطلاعات باشد.

مشارکت‌کنندگان

در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه، فعالان و مرتبطان با قاچاق موادمخدر در جنوب استان کرمان هستند که مناطق رودبار جنوب، قلعه‌گنج، منوجان، فاریاب و کهنوج را شامل می‌شوند. تمامی افراد یا نزدیکان آن‌ها (شامل بارکش‌ها، محافظان، کارگران، راه‌پاک‌کن‌ها، نفوذی‌ها...) که در مراحل مختلف قاچاق مشارکت دارند، مورد پرسش قرار گرفتند. در ابتدا هدف تحقیق برای قاچاقچیان یا نزدیکان و وابستگان آن‌ها بازگو شد و مشارکت‌کنندگان با میل و خواست شخصی‌شان در ارائه اطلاعات مربوط به قاچاق و فرایند آن شرکت کردند. از سوی دیگر، افراد از طریق مشاهدات و تجربیات زیسته محقق انتخاب شدند و بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند با استراتژی گلوله برفی ادامه پیدا کردند. محقق با معرفی خود و جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان با آن‌ها مصاحبه کرد و مصاحبه‌ها بعد از هماهنگی لازم با ۱۰ نفر از این اشخاص در منزل مسکونی و ۲ مورد نیز در منزل محقق صورت گرفت. محقق در این تحقیق در مصاحبه با ۱۲ نفر از قاچاقچیان و مرتبطان با قاچاق موادمخدر (کسانی که خود تجربه زیسته از قاچاق موادمخدر داشتند) به اشباع نظری رسید، اما مصاحبه تا ۱۴ مورد ادامه یافت. مصاحبه‌های انجام‌شده هرکدام به ترتیب ضبط شدند و در حین ضبط از نکات مهم نیز یادداشت‌برداری صورت گرفت و بعد از ضبط، فایل هر مصاحبه به کامپیوتر منتقل و به متن تبدیل شد.

گردآوری و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق بوده و برای انجام مصاحبه‌ها از رویکرد پاتن^۲ استفاده شده است. پاتن سه نوع مصاحبه را از هم تفکیک می‌کند: ۱. مصاحبه

۱. به‌منظور حفظ امانت درخصوص اطلاعات افراد نمونه در تحقیق، سعی شده از اسامی مستعار و غیرواقعی در نتایج مصاحبه‌ها استفاده شود.

2. Patton

مکالمه‌ای غیررسمی؛^۱ ۲. رهیافت راهنمایی مصاحبه عمومی؛^۲ ۳. مصاحبه با استانداردها شده.^۳ بر این اساس، در تحقیق حاضر هر سه رویکرد پیشنهادی پاتن به ترتیب زیر استفاده شد: در آغاز کار، برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه مکالمه‌ای غیررسمی استفاده شد. مصاحبه مکالمه‌ای غیررسمی با گفت‌وگو و دیالوگ شروع شد و از فرد خواسته شد که تجربه زیسته خود را از قاچاق مواد مخدر بیان کند تا فرایندها، سازوکارها و فرهنگ‌های غالب بر این پدیده مشخص شود. بعد از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اولیه آشکار شدند، با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه‌ها پیگیری شدند. این امر در راستای نمونه‌گیری نظری نیز انجام شد که با ماهیت روش نظریه زمینه‌ای سازگاری زیادی دارد. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفت، به طراحی مجموعه‌ای از سؤالات باز پرداخته شد (سؤال در رابطه با چگونگی فرایند قاچاق، منزلت قاچاقچیان، تنبیه خاطیان و خائنان، مبادلات اقتصادی و اجتماعی و... و به‌طور کلی نقش فرد بر مبنای تجربه زیسته آن‌ها از فرایند قاچاق بود) و این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. از افراد پرسیده شد که چه کسانی و با چه عناوینی در قاچاق مشارکت دارند؟ چه کسانی به اختلاف قاچاقچیان رسیدگی می‌کنند؟ چگونه افراد به شبکه قاچاق وارد می‌شوند؟ و پول حاصل از قاچاق چه می‌شود؟

چارماز معتقد است که در نظریه‌ای زمینه‌ای، گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود و محقق بین گردآوری و تحلیل داده‌ها در رفت‌وآمد است (چارماز، ۲۰۰۸: ۱۶۳). از نظر او، داده‌های به‌دست‌آمده بر مبنای سه مرحله کدگذاری شامل کدگذاری باز یا اولیه،^۴ متمرکز^۵ و محوری^۶ تحلیل می‌شوند. در مرحله کدگذاری، باز داده‌ها از یکدیگر مجزا و خرد می‌شوند. نخستین مرحله در کدگذاری، باز مفهوم‌سازی است و در مرحله کدگذاری متمرکز، محقق رویدادها، اتفاق‌ها و اشیای مشابه را تحت یک عنوان یا رده طبقه‌بندی می‌کند که به این عناوین و رده‌بندی‌ها مقوله می‌گویند. مرحله سوم، یعنی کدگذاری محوری، فرایند مرتبط‌کردن مقوله‌ها به مقوله‌هاست که مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به هم مرتبط می‌شوند (چارماز، ۲۰۰۶: ۴۷-۶۳).

1. The Informal conversational interview
2. The General interview guide approach
3. The standardized open-ended interview
4. Initial coding
5. Focused coding
6. Axial coding

ع. یافته‌ها

ع-۱- یافته‌ها و مقوله‌های عمده تحقیق

قبل از ارائه داده‌ها، به ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌پردازیم. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۱۴ نفر بودند. همه مشارکت‌کنندگان به لحاظ جنسیت مرد بودند و از ۲۳ تا ۶۲ سال داشتند. همه این افراد تجربه و سابقه قاچاق موادمخدر داشتند و ۱۲ نفر از آن‌ها متأهل و ۲ نفر مجرد بودند. علاوه بر این، به لحاظ تحصیلات ۳ نفر بی‌سواد، ۷ نفر زیر دیپلم و ۲ نفر مدرک دیپلم، یک نفر لیسانس و یک نفر فوق لیسانس داشتند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

شماره	تحصیلات	سن	وضعیت تأهل و تعداد فرزند	سابقه قاچاق
۱	دیپلم	۳۳	متأهل و دارای یک فرزند	۱۱
۲	فوق لیسانس	۳۸	متأهل و دارای دو فرزند	۱۷
۳	ابتدایی	۴۲	متأهل و دارای دو فرزند	۲۰
۴	راهنمایی	۲۶	متأهل	۶
۵	دیپلم ناقص	۲۴	متأهل	۵
۶	دیپلم ناقص	۳۸	متأهل و دارای دو فرزند	۱۴
۷	ابتدایی	۲۳	مجرد	۵
۸	دیپلم	۳۳	متأهل	۸
۹	ابتدایی	۴۸	متأهل و دارای سه فرزند	۱۳
۱۰	لیسانس	۲۸	مجرد	۷
۱۱	بی‌سواد	۵۲	متأهل	۲۸
۱۲	بی‌سواد	۵۶	متأهل و دارای شش فرزند	۱۶
۱۳	ابتدایی	۳۹	متأهل و دارای دو فرزند	۱۰
۱۴	بی‌سواد	۶۲	متأهل و دارای دوازده فرزند	۳۷

با بررسی داده‌های به دست آمده از مرحله اول کدگذاری (کدگذاری اولیه) مفاهیمی به دست آمد که در جدول ۲ نشان داده شده است. این مفاهیم بیانگر درک و تفسیر مشارکت‌کنندگان در تحقیق، از پدیده قاچاق موادمخدر است. بعد از این مرحله، مفاهیم مشابه و نزدیک به هم از نظر معنایی در قالب مقوله‌های عمده‌ای طبقه‌بندی شد. مرحله سوم کدگذاری، یعنی کدگذاری محوری، فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌هاست که مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به هم مرتبط شدند.

جدول ۲. کدگذاری اولیه، متمرکز و محوری

ردیف	کدگذاری اولیه	کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری
	تحويل گرفتن بار در مبدأ، به مقصد رساندن بار، تحويل دادن بار	مبدأ و مقصد	شبکه همیاران قاچاق

کندوکاوی کیفی در پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر در جنوب استان کرمان

ردیف	کدگذاری اولیه	کدگذاری متمرکز	کدگذاری محوری
	حمل با ماشین، حمل توسط فرد (کوله‌کشی)، گرفتن کرایه	بارکش	
	حرکت در جلوی بار، خیردادن، حضور مأموران، توجه به اطراف، اعلام هرگونه مزاحمت در فرایند حمل بار	راه‌پاک‌کن	
	حرکت از جلو، حرکت از عقب، محافظت از بار	محافظان	
	کارگراها، زیردستان، مزدبگیران	کارگراها	
	نیاز به شناخت، اعتماد متقابل، آشنایی طایفه‌ای	اعتماد متقابل	ضمانت‌های غیررسمی
	معامله‌ای نقدی با غریبه‌ها، گروگذاشتن سند یا ماشین	پرداخت نقدی	
	معامله‌ای نقد، عدم مبادله غیرنقدی و اعتباری، معرف‌داشتن	ضمانت‌های غیررسمی	
	سران طایفه، بزرگ‌منشی، ریش‌سفیدی	بزرگ‌منشی	دادرسی محلی
	چار، نال، روغن‌دادن	دادرسی محلی	
	مبادله متقابل، رفت‌وآمد، شکل‌گیری روابط دوستانه	شکل‌گیری دوستی‌ها	مبادله اجتماعی و اقتصادی
	رفت‌وآمد، وصلت، ازدواج	شکل‌گیری وصلت‌ها	
	وصلت‌کردن، تقویت رابطه، تقویت اعتماد	تقویت پیوندها	
	خیردادن، قاچاق‌کردن، مخبری‌کردن، گزارش‌دادن	مخبرها	مخبرها
	کسی کاری با آن‌ها ندارد، مصونیت	مصونیت	
	نان‌بریدن، لودادن، نامردی‌کردن	قیبح‌بودن	
	مخبر، تاوان‌دادن	انتقام	
	خبرکشی، خیردادن به مأمورها	خبرکشی	
	فراری‌بودن، اشرار، یاغی‌بودن	فراری‌بودن	یاغی‌گری و قاچاق
	فراری‌بودن، لورفتن بار، قتل	سابقه اقدام غیرقانونی	
	فراری‌بودن، فقدان درآمد، قاچاق‌کردن	قاچاق‌کردن	
	کاروان حمل مواد، راه‌پاک‌کن، قاچاق مواد مخدر	راه‌پاک‌کن‌شدن	
	اسلحه و چریک، امنیت بار، مراقبت از بار	اسلحه و چریک	
	قاچاق و کار آبرومندانه، کار کشاورزی، مغازه‌داری، بنگاه‌داری، لوازم کشاورزی، پول‌شویی و درگیری در بازار	پول‌شویی	پول‌شویی در لفاف کار آبرومندانه
	پنهان‌کاری، کار ظاهری، شغل آبرومندانه	پنهان‌کاری	

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در مرحله کدگذاری اولیه و متمرکز، مفهوم یا زیرمقوله استخراج شد و در مرحله‌ای کدگذاری محوری در قالب ۷ مقوله عمده قرار گرفت. این مقولات عبارت‌اند از شبکه همیاران قاچاق، ضمانت‌های غیررسمی، دادرسی محلی، مبادله اقتصادی و اجتماعی، مخبرها، یاغی‌گری و قاچاق و پول‌شویی در لفاف کار آبرومندانه. در زیر با

ارجاع به گفته‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق، هریک از مقوله‌های به‌دست‌آمده به‌اختصار مطرح می‌شوند.

ع-۱-۱- شبکه همیاران قاچاق

در فرایند قاچاق افراد زیادی درگیرند و از کنار آن کسب درآمد می‌کنند و به تعبیر اقتصادی، اشتغال‌زایی گسترده‌ای وجود دارد. مهم‌ترین رکن در این زمینه، مبدأ و مقصد موادمخدر است، به‌طوری‌که این افراد برای هیچ‌یک از فعالان این حوزه شناخته‌شده نیستند.

ما مواد را از داخل خانه‌ای بارگیری کردیم و نمی‌دانستیم مال کیست، تا جیرفت رفتیم، آنجا هم که رسیدیم، ماشین را از ما گرفتند. ما هم یکی دو ساعت در خیابان منتظر بودیم تا بار را تخلیه کنند و ماشین ما را تحویل بدهند (۳۳ساله، ۱۱ سال سابقه قاچاق).

درواقع فرستنده در مبدأ و گیرنده در مقصد از ناشناخته‌ترین افراد در این شبکه هستند و معمولاً به‌جز افراد بالادستی کسی از آن‌ها شناختی ندارد. یکی دیگر از افراد درگیر، بارکش‌ها هستند؛ بارکش‌ها در ازای دریافت مبلغی، مواد را از شهری به شهر دیگر جابه‌جا می‌کنند و تحویل می‌دهند.

تازه فصل کشاورزی تمام شده بود، اوضاعم خوب نبود؛ رفتم با دوستانی که بارکشی می‌کردند صحبت کردم، قرار شد از فردای آن روز بروم، رفتم؛ اول ترس زیادی داشت، اما وقتی رسیدیم ترسم ریخت (۲۴ساله، ۵ سال سابقه قاچاق).

بارکش‌ها معمولاً هزینه کار خود را وقتی که بار به مقصد برسد، با چند روز تأخیر دریافت می‌کنند. بارکش‌ها مسئولیت بار را نیز بر عهده دارند؛ در صورتی که بار به هر علتی به مقصد نرسد، باید پاسخ‌گو باشند، در صورتی که صاحبان بار به یقین برسند که بار توسط مأموران ضبط شده، با بارکش کاری ندارند، اما در صورتی که بار دزدیده شده باشد باید بارکش پاسخ‌گو باشد.

یکی دیگر از افراد مهم درگیر، راه‌پاک‌کن‌ها هستند. راه‌پاک‌کن کسی است که معمولاً در کنار پاسگاه انتظامی و یا مسیر تردد نیروهای انتظامی و امنیتی جاگیری می‌کند و حرکت خودروها و نیروها را به قاچاقچیان گزارش داده و در مقابل آن مبلغی دریافت می‌کند.

من خودم مدتی راه‌پاک‌کن بودم؛ پاسگاه پل ۱ با ماشین می‌زدم کنار جاده و شروع می‌کردم به دست‌کاری ماشین و گاهی نماز می‌خواندم و حرکت‌های مأموران را زیر نظر داشتم و اگر ماشینی می‌خواست حرکت کند، به بچه‌ها گزارش می‌دادم و آخر کار، هر ماشین صد تومن به من می‌داد (۳۸ساله، ۱۷ سال سابقه قاچاق).

۱. پاسگاه انتظامی پل بهادرآباد- سهراهی جیرفت، کهنوج و رودبار جنوب

معمولاً در خانه‌ی فعالان عمده، به‌خصوص فعالان در مبدأ و مقصد و کسانی که بار عمده تخلیه می‌کنند، زبردستان، کارگرها و محافظانی وجود دارند. زبردستان معمولاً تلفن‌ها را جواب می‌دهند، در مواقع لازم، مشاوره‌ی لازم را در اختیار فرد برای اقدام مقتضی قرار می‌دهند و اقدام مقتضی را مدیریت و رهبری می‌کنند. کارگرها نیز مواد را تخلیه می‌کنند و وسایل پذیرایی را در اختیار میهمانان قرار می‌دهند. محافظان هم در اکثر مواقع مسلح هستند تا در صورت لزوم اقدام کنند.

این نکته را نیز باید در نظر گرفت که ماهیت بسیاری از افراد درگیر در این فعالیت و شبکه برای خیلی از افراد درگیر دیگر ناشناخته است.

فقط شماره‌تلفنی وجود دارد و شما نمی‌دانید که با چه کسی صحبت می‌کنید. این تلفن همیشه روشن نیست، فقط وقتی فروشنده اصلی لازم بداند روشن می‌شود، تماس گرفته می‌شود و بعد از آن خاموش می‌شود (۲۳ساله، ۵ سال سابقه قاچاق).

۴-۱-۴- ضمانت‌های غیررسمی

اگر فردی بخواهد کار قاچاق مواد مخدر را آغاز کند، ابتدا باید یا پول نقد داشته باشد که مواد خریداری کند، یا اینکه یک فرد مورد اعتماد او را معرفی کند. در اکثر مواقع، پول نقدی برای خرید مواد توسط فرد وجود ندارد، به همین دلیل باید اعتباری خرید کند. این اعتبار نیز بر مبنای نظام‌های مبادله مرسوم مثل چک، سفته و... نیست، بلکه یا باید ماشین خود را در رهن بگذارد، یا اینکه کسی معرف او باشد؛ در اکثر مواقع مبادله به‌صورت معرف است. معرف را می‌توان کسی دانست که در این نظام مبادله توانسته اعتماد و اعتباری نزد بالادستی‌ها کسب کند و معمولاً از لحاظ مالی وضعیت مناسبی دارد؛ بنابراین با معرفی این فرد، به آن شخص مواد داده می‌شود تا به مقصد برده و به فروش برساند.

واقعیتش من اول کشاورزی می‌کردم. آن سال، سال خیلی بدی بود و گوجه‌های ما فروش نرفت و همه‌اش روی زمین مانده بود. برای همین طلب‌کارها فشار آوردند؛ رفتم پیش یکی از پسرعموهایم و خواهش کردم، او هم من را معرفی کرد به... رفتم ده کیلو گرفتم و رفتم به سمت تهران، خداروشکر ۴-۵ تومنی گیرم آمد (۲۳ساله، ۵ سال سابقه قاچاق).

کسی که بخواهد بارکشی کند نیز باید به همین صورت عمل کند؛ یعنی یا باید معرفی شود یا مدرک معتبری مثل سند خانه یا مغازه را به‌صورت ضمانت بگذارد که در اکثر مواقع به‌صورت معرفی است؛ یعنی تا کسی شما را معرفی نکند (از آنجاکه احتمال لورفتن وجود دارد) هیچ‌کس به شما جنس نمی‌دهد. ضمانت‌های غیررسمی مبنایی برای اعتماد متقابل هستند؛ یعنی

براساس قواعد نانوشته‌ای تنظیم می‌شوند که مبادلات موادمخدر صورت می‌گیرد. نکته مهم در این فرایند، شناخت خانوادگی و طایفه است، به طوری که برای طرفین، طایفه طرف مبادله اهمیت زیادی دارد؛ زیرا تصورات کلیشه‌ای درباره طوایف وجود دارد.

۴-۱-۳- دادرسی محلی

قاچاق موادمخدر از جمله فعالیت‌های اقتصادی کاذب، غیرقانونی و زیرزمینی محسوب می‌شود. به همین دلیل امکان پیگیری و وصول مطالبات مالی و اختلافات و مناقشات در آن از طریق سیستم قضایی و حقوقی مرسوم و عادی وجود ندارد؛ زیرا خود فرد تحت تعقیب قانون قرار می‌گیرد. به همین دلیل، فعالان این حوزه به طراحی سیستمی پرداخته‌اند که از طریق آن بتوانند مسائل و اختلافات خود را حل کنند، این سیستم حقوقی نانوشته که سینه‌به‌سینه بین فعالان این حوزه منتقل شده و جریان دارد، در صورت بروز اختلاف عمل می‌کند.

این سیستم در موارد بروز اختلاف استفاده می‌شود؛ مثلاً وقتی یکی از طرفین جنس را بگیرد، اما قیمتش را پرداخت نکند و جنس در بین راه رفته شود یا توسط مأموران کشف شود، طرف دیگر معامله به این گفته اعتماد نمی‌کند و یا در صورت پول جنس خود را می‌خواهد.

من خودم به صورت کرایه، بار از رودبار به جیرفت می‌بردم که وسط راه یک ماشین مسلح به من حمله کرد، ماشین خاموش شد. من از ترس فرار کردم. بعد صاحب مال تهدیدم کرد که یا جنس یا پولش را بدهم و من هم مجبور شدم بروم پیش آن‌ها و آنجا علاوه بر قسم، من را چار ۱ هم دادند (۳۸ ساله، ۱۴ سال سابقه قاچاق).

یکی از موارد موجود در این سیستم حقوقی، استفاده از قانون ریش‌سفیدی است؛ به این صورت که به بزرگان طایفه فرد مورد نظر مراجعه می‌کنند و از بزرگان می‌خواهند تا به صورت مسالمت‌آمیز پول آن‌ها را گرفته و زمینه‌ای را فراهم کنند که موضوع به صورت مسالمت‌آمیز خاتمه یابد.

در صورتی که موضوع بر مبنای بزرگ‌منشی حل نشود، طرفین معامله راه‌حل‌های پیش‌بینی شده‌ای را به کار می‌گیرند. یکی از این راه‌حل‌ها چار است؛ چار به این صورت اجرا می‌شود که طرفین در یک مکان جمع می‌شوند و چاله‌ای به طول نه متر حفر می‌کنند این چاله را پر از

۱. char: یکی از راه‌های شناسایی گناهکار و دزد. در آیین باستانی، آتش عنصری ایزدی و مقدس است. بنابراین باور، از گذشته‌های دور تا امروز مردم هنگام انجام کارهای خلافی مثل دزدی، قتل و... چاله‌هایی به اندازه هفت قدم می‌کنند و در آن از چوب درخت کهور یا اسکنبیل آتشی می‌افروزند و از افراد مظنون می‌خواهند به آرامی از روی آتش بگذرند، اگر گذشتند و نسوختند، بی‌گناه و اگر نه، گناهکار شناخته می‌شدند. چار دادن: از آتش گذشتن (صادقی، ۱۳۹۴: ۹۸-۹۹).

ذغال می‌کنند سپس فردی که متهم است ابتدا غسل کرده و لباسی سفید (مثل کفن) می‌پوشد و بعد باید با پای برهنه از روی این ذغال‌ها عبور کند. در این حین فردی که ملای محلی نامیده می‌شود دعایی را می‌خواند تا بتواند حق را از ناحق تشخیص دهد و عدالت را اجرا کند. در صورتی که فرد آسیبی نبیند، بی‌گناه است؛ اما اگر دچار سوختگی شود این فرد مقصر است و باید در هر صورت پول را پرداخت کند یا مجازات شود (البته مقداری سوختگی مجاز است).

نوع دوم این قاعده نال^۱ است. در نال نیز بر مبنای همان قاعده، فرد باید ابتدا غسل کند، لباس سفید بپوشد. بعد از آن، داسی را بر روی آتش می‌گذارند تا خوب داغ شود و بعد این داس را روی زبان متهم می‌گذارند. در صورتی که فرد دچار سوختگی شود، متهم مقصر شناخته شده و باید خسارت وارده را جبران کند.

نوع دیگری از این سیستم دادرسی محلی، روغن دادن است. در اینجا نیز فرد باید غسل کند و لباس سفید بپوشد. سپس روغن را روی آتش می‌گذارند که کاملاً جوش بزند. بعد باید متهم دست خود را در آن قرار دهد، اگر دست متهم سوخت، مقصر شناخته می‌شود.

همه این رویکردها از دادرسی محلی در زمینه مواد مخدر حکایت می‌کند. اگر با به‌کارگیری این شیوه‌ها موضوع حل نشود، آنگاه به‌سوی استفاده از راه‌های خشن‌تری مثل قتل و آدم‌ربایی می‌روند. موارد بسیاری بوده است که افراد زیادی به دلیل اختلافات موادمخدر کشته و عده زیادی مجبور به فرار شده و بی‌خانمان شده‌اند.

۴-۱-۴- مبادله اجتماعی و اقتصادی

قاچاق موادمخدر از گذشته دور در منطقه جنوب کرمان انجام می‌شده است. همان‌طور که گزارش مرکز تحقیقات ریاست جمهوری (۱۳۹۴) نیز عنوان می‌کند، استان کرمان یکی از مبادی پخش موادمخدر در ایران است؛ زیرا موادمخدر وارد شده به ایران از راه استان سیستان و بلوچستان به جنوب استان کرمان وارد می‌شود و شیوه پخش آن به این صورت است که بخشی از موادمخدر از جاده زهکلوت و جاده‌های فرعی کنار آن به رودبار جنوب و کهنوج رسیده و سپس وارد استان فارس می‌شود. بخشی نیز از راه مناطق روستایی رودبار، منوجان، قلعه‌گنج و سپس رودان و میناب وارد بندرعباس، و بخش دیگری با گذر از شهرهای شمالی‌تر کرمان مانند جیرفت، سیرجان و رفسنجان روانه استان یزد می‌شوند.

۱. NALL: آهن کوفته داغ، یکی از راه‌های تشخیص بی‌گناهی و دزدی است؛ به‌گونه‌ای که نال را بر کف دست فرد مشکوک یا گناهکار گذاشته، اگر سوخت گناهکار و اگر نسوخت بی‌گناه است. نال دادن: آهن داغ بر کف دست گذاشتن (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۰).

این رفت‌وآمدها به‌مرور باعث شکل‌دادن پیوندهای اجتماعی شده است. از این مسیر دوستی‌های زیادی شکل گرفته که به‌مرور از دوستی صرف خارج شده و به پیوندهای قومی و خانوادگی بدل شده‌اند.

خیلی از ساکنان این منطقه (مثلاً...) اصالتاً اینجایی نیستند، این‌ها قبلاً در این منطقه کار می‌کردند، بعد از مدتی همین‌جا زن گرفتند و ماندگار شدند (۵۲ساله، ۲۸ سال سابقه قاچاق).

پیوندهایی که در ابتدا از دوستی شروع شده و بعد موجب شکل‌گیری وصلت‌هایی شده‌اند؛ به‌طوری‌که دو طرف معامله پسر دیگری را به دامادی و دختر دیگری را به‌عنوان عروس انتخاب کرده‌اند و یا خود با دختر یا خواهر طرف معامله ازدواج کرده‌اند. درواقع، ارتباطات اقتصادی به ارتباطات فامیلی تبدیل می‌شود.

خب وقتی وصلتی صورت می‌گیرد، اصلاً کار رونق می‌گیرد و خودش یک ضمانت کار است که دو طرف دیگر مال هم را بالا نکنند (۳۸ساله، ۱۷ سال سابقه قاچاق).

این شکل‌گیری وصلت‌ها موجب تقویت فرایند کار نیز می‌شود، به‌طوری‌که اعتماد بین دو طرف معامله را افزایش می‌دهد و ضمانت اجرایی برای کار ایجاد می‌کند. با توجه به کثرت افراد درگیر با قاچاق موادمخدر، این افراد اگرچه در ابتدا ارتباطات خویشاوندی نزدیکی دارند، به‌مرور با گسترش شبکه و درگیر شدن افراد متنوع با شبکه، آنچه باعث ایجاد اعتماد می‌شود، رفت‌وآمدهای خانوادگی و میهمانی‌هاست.

وقتی دو یا چند نفری با هم معامله می‌کنند، بعد از یک مدتی با هم رفت‌وآمد می‌کنند، می‌آیند عروسی، عزا و... به‌مرور هم بینشان وصلتی صورت می‌گیرد (۳۳ساله، ۸ سال سابقه قاچاق).

این رفت‌وآمد برای دو طرف کارکرد اساسی دارد؛ اینکه وقتی با هم کار می‌کنند، محل زندگی، طایفه و اعضای خانواده شخص را بشناسند تا بتوانند در زمان لزوم علیه یکدیگر عمل کنند و یا باعث تقویت پیوند و اعتماد متقابل شوند.

۴-۱-۵- مخبرها

مخبر کسی است که اطلاعات قاچاقچیان را به مأموران انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی می‌دهد. در اینجا مخبر به‌عنوان مقوله‌ای پویا و توأم با بازاندیشی در بین مشارکت‌کنندگان تفسیر و معنا می‌شود. مشارکت‌کنندگان در تحقیق، مخبرها را کسانی می‌دانند که دارای ارتباطی دوطرفه هستند، به‌طوری‌که اخبار مأموران امنیتی و انتظامی را به قاچاقچیان و اخبار قاچاقچیان را به مأموران می‌دهند.

درواقع، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق، مخبرها خودشان از قبل در فرایند قاچاق درگیر بوده و بسیاری از آن‌ها قبلاً قاچاقچی بوده‌اند، اما وقتی دستگیر شده‌اند، در قبال آزادی خود قول همکاری داده‌اند؛ اینکه به‌عنوان مأمور مخفی اطلاعات را به مأموران بدهند و البته خود نیز برای گذران زندگی، دستی در فرایند قاچاق داشته باشند و البته در این کار، از نوعی مصونیت قضایی نیز برخوردارند.

در بعضی از موارد، عنوان شده که مخبرها مواد کشف‌شده را به‌طور کامل تحویل نیروهای امنیتی و اطلاعاتی نمی‌دهند، یعنی مقداری از مواد را تحویل می‌دهند و مقداری را برای خود برمی‌دارند.

خیلی از قاچاقچیان با مجوز و هماهنگی نیروها می‌آیند راه را می‌بندند و وقتی موادی را می‌گیرند، نصفش و گاهی بیشترش را برای خودشان برمی‌دارند و مابقی را تحویل می‌دهند. خب، خودی محسوب می‌شوند و کسی با آن‌ها کاری ندارد (۲۸ساله، ۷ سال سابقه قاچاق).

البته در این منطقه مخبری را کاری پست و ضد ارزش می‌دانند و موضع شدیدی در مقابل آن وجود دارد.

مخبرها خیلی نامردند؛ خب، خودش این کار را انجام می‌دهد، اما نون‌بری دیگران را می‌کند. کسی که مخبری کرد، سلام و علیک با او حرام است (۲۸ساله، ۷ سال سابقه قاچاق).

آن‌ها مخبری را کاری زشت می‌دانند. حتی علاوه بر آنچه مشارکت‌کننده زیر می‌گوید، در مواردی وجود دارد که سایر روابط اجتماعی با این افراد نیز قطع و به حالت تعلیق درمی‌آید؛ این موضوع خانواده فرد را نیز شامل می‌شود و حتی کلیشه‌های کلی از فرد، خانواده و طایفه‌اش شکل می‌گیرد. درواقع، تفسیری که از مخبر می‌شود نوعی ضد ارزش است، ضد ارزشی که در جامعه عمدتاً بازتولید می‌شود.

مخبری کردن برای دولت فقط نامردی است و ما او را آدم حساب نمی‌کنیم؛ هرکسی تا حالا در منطقه مخبری کرده، تاوانش را هم داده (۳۹ساله، ۱۰ سال سابقه قاچاق).

درواقع، این گفته ناظر بر این موضوع است که وقتی مخبرها کسی را لو می‌دهند، باید تاوان دهند. فرایند تاوان دادن براساس عملی است که فرد انجام داده است؛ یعنی وقتی که مواد گرفته شده و ضرر مالی به صاحب جنس رسیده، باید پول جنس‌های لورفته را بدهد، اما اگر کسی در این فرایند کشته شده، باید خون بدهد که خون با خون پاک می‌شود.

هرکسی اینجا با دولت همکاری کند و یکی کشته بشود، باید توانش را بدهد، عزیزترین کس خودش را باید بدهد (۳۹ساله، ۱۰ سال سابقه قاچاق). عزیزترین کس فرد، معمولاً بهترین پسرش یا برادرزاده‌اش و یا در مرحله بعد بهترین فرد در آن طایفه است. این موضوع زمینه‌ای برای شکل‌گیری نزاع جمعی در منطقه است که کم‌کم در بین طوایف مختلف رخ می‌دهد و عملاً نظم اجتماعی منطقه را مختل می‌کند.

۴-۱-۶- باغی‌گری و قاچاق

قاچاق مواد در منطقه در بعضی از موارد با باغی‌گری همراه و همگام بوده است، به طوری که فرد باغی برای تأمین هزینه‌های خود و چریک‌هایش به منابع مالی نیاز دارد و بهترین راه در نزد وی و چریک‌هایش، همکاری در فرایند قاچاق است. از قاچاقچیان به‌عنوان قهرمانان یاد می‌شود، به‌عنوان فردی که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش کرده و کاهلی نکرده است؛ مردم به طرق مختلف با آن‌ها همکاری می‌کنند و آن‌ها را ستایش می‌کنند.

باغیان یا اشرار در منطقه به کسانی گفته می‌شود که نظم موجود در منطقه را براساس اقداماتی مثل قاچاق، قتل، سرقت، مزاحمت و... بر هم می‌زنند و به یکی از مناطق صعب‌العبور می‌روند و در آنجا برای خود چریک‌هایی را جمع‌آوری می‌کند؛ بنابراین عمدتاً دور از دسترس اجتماع و نیروهای امنیتی هستند. درواقع، ارتباط قاچاق و باغی‌گری ارتباطی دوسویه است، به طوری که گاهی قاچاقچیان که شناسایی می‌شوند، برای فرار از مجازات، باغی (در منطقه به آن‌ها فراری می‌گویند) می‌شوند. اما همه باغیان قاچاقچی نیستند، زیرا برخی دیگر به دلایل دیگری مثل قتل هم امکان فراری شدن دارند؛ اما، به‌هرحال، وقتی باغی شدند، برای تأمین مالی خود و چریک‌هایشان به سمت قاچاق موادمخدر می‌روند.

برخی از قاچاقچیان که توسط نیروهای امنیتی شناسایی شده‌اند به اشراری تبدیل می‌شوند که حمل موادمخدر و تأمین امنیت راه‌ها و گذرگاه‌ها را عهده‌دار می‌شوند. حمل توسط این گروه‌ها عمدتاً مسلحانه و با حجم بالا انجام می‌شود، به طوری که امکان برهم‌زدن تعادل بازار موادمخدر در منطقه‌ای خاص را نیز دارند.

در فیلم و عکس‌هایی که دارن همش اسلحه به دست روی ماشین پر از تریاک نشستن (۲۸ساله، ۷ سال سابقه قاچاق).

درواقع، حمل تریاک و سایر موادمخدر و ایفای نقش در آن توسط اشرار و باغیان مسلح که امنیت و حفاظت آن را تا مقصد تأمین می‌کنند، بخشی از نظامی است که قدرت این افراد را حفظ و تحکیم می‌کند. درواقع، آن‌ها در قبال این وظیفه که بر عهده می‌گیرند تعهد و مسئولیت دارند و خود را در قبال آن مسئول می‌دانند.

۴-۱-۷- پول‌شویی در لفاف کار آبرومندانه

در گذشته قاچاقچیان منطقه علناً از اینکه با این عنوان نامیده می‌شدند احساس افتخار می‌کردند؛ درواقع، این برچسب برای آن‌ها حسی از افتخار و ارزش را داشت. اما ارتباط و تبادل فرهنگی ناشی از این ارتباط با قاچاقچیان شهرهای دیگر روش‌های جدیدی از پول‌شویی و قاچاق را به آن‌ها که عمدتاً کارشان سنتی بود یاد داده است.

خیلی‌ها این روزها گلخانه زدند، بنگاه ماشین زدند و... خب رفتند شهرهای دیگر یاد گرفتند (۳۸ساله، ۱۷ سال سابقه قاچاق).

درواقع، ارتباط با قاچاقچیان شهرهای دیگر و توصیه‌های آنان، به قاچاقچیان سنتی منطقه یاد داده که به قاچاقچی بودن افتخار نکنند و این کار را در پوشش کاری دیگر انجام دهند. کی گفته اینجا قاچاقچی زیاد است، خیلی‌ها از طریق گلخانه و مشاغل دیگر روزگار می‌گذرانند (۴۲ساله، ۲۰ سال سابقه قاچاق).

حتی بسیاری از آن‌ها در این مسیر حرکت کرده‌اند که کار خود را از نگاه اطرافیان خود نیز پنهان و مخفی کنند، به طوری که قضاوت دیگران را درباره خود بهبود بخشند. این عمل در مواردی به گونه‌ای پیش رفته است که بعضی از مردم از این عنوان استفاده می‌کنند که «فلانی دیگه دست کشیده و داره کار می‌کنه».

خیلی از مردم فکر می‌کنند که بعضی‌ها از قاچاق دست کشیدند، خب، خیلی‌ها کارهای دیگری مثل کشاورزی و مغازه‌داری هم انجام می‌دهند (۵۶ساله، ۱۶ سال سابقه قاچاق).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان داد که قاچاق مواد مخدر یک میدان دارد که در مقوله هسته‌ای این پژوهش تبلور یافته است؛ به این معنا که بازسازی معنایی انجام‌شده از درک و تفسیر مردم منطقه از قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای است که در این منطقه، شرایط و موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی به شکل‌گیری نظامی منجر شده است که میدان قاچاق مواد مخدر را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که بوردیو (۱۳۸۳) اشاره می‌کند، می‌توان از چندین میدان سخن گفت؛ برای مثال از میدان زیباشناختی، میدان قانون، میدان سیاسی، میدان فرهنگی، میدان آموزشی و میدان دینی. هر یک از این میدان‌ها براساس الگوی یک بازار در نظر گرفته می‌شوند که برای کالاهای نمادینی که در هر میدان تولید می‌شود، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگانی وجود دارد (لش، ۱۳۸۳: ۳۴۰). در اینجا نیز یک میدان قاچاق مواد مخدر وجود دارد که همان‌طور که رئیس دانا (۱۳۸۲) اشاره می‌کند، الگویی مانند بازار دارد. در این میدان، مانند الگوی بازار، مشاغل ایجاد

شده که پیرو ورود درآمدهای ناشی از قاچاق به وجود آمده‌اند؛ درآمدهایی که بعد از کسب در فرایند قاچاق موادمخدر، به سوی مشاغل سراریز می‌شوند که در همان مجموعه قاچاق می‌گنجند و زمینه به‌وجود آمدن و پویایی این مشاغل را فراهم می‌کنند؛ به‌طوری‌که در مواقعی تعادل اقتصادی را در برخی صنفاها از حالت طبیعی خارج می‌کنند.

موقعیت‌های میدان قاچاق در قالب مقوله شبکه همیاران قاچاق در این پژوهش نشان داده شده است؛ اینکه چگونه افراد درگیر در قاچاق موادمخدر با کسب جایگاه می‌توانند نقش‌های متفاوت و مختلفی را بگیرند. در مجموع، افرادی که جایگاه یکسانی دارند، غالباً همان‌طور که بورديو اشاره می‌کند، عادت‌واره‌های یکسانی دارند؛ مثلاً بارکش‌های مواد یا راه‌پاک‌کن‌ها. میدان قاچاق موادمخدر دارای شبکه‌ای از افراد درگیر است. این افراد، درکل یک مافیای شبکه‌ای را شکل می‌دهند که در همکاری با یکدیگر حجم عمده‌ای از مواد را جابه‌جا و منتقل می‌کنند. در این فرایند باید به مخبرها توجه ویژه‌ای کرد، کسانی که در دوره‌ای خود تجربه قاچاق را داشته‌اند، اما بعد از مدتی که دستگیر شده‌اند، با قول همکاری به این فرایند بازگشته‌اند و اکنون خود بخش مهمی از شبکه قاچاق را تشکیل می‌دهند.

در این زمینه، یاغی‌ها نیز اهمیت دارند. کسانی که به دلایلی، به‌اصطلاح از جامعه و قانون فراری شده‌اند و در منطقه‌ای دور از دسترس به زندگی خود دور از جامعه ادامه می‌دهند. این افراد نیز برای تأمین هزینه‌های خود نقش مؤثری در فرایند قاچاق موادمخدر دارند، به‌طوری‌که در مواقعی به حمل کرایه‌ای بار یا تضمین بار می‌پردازند تا بتوانند هزینه خود و نیروهای تحت امر خود را تأمین کنند.

همان‌طور که بورديو نیز اشاره می‌کند، عادت‌واره هر میدان، چیزی شبیه عقل سلیم است و در پی تصدی بلندمدت یک جایگاه کسب می‌شود. عادت‌واره‌ها برحسب خصوصیات جایگاه فرد در دنیای اجتماعی فرق می‌کنند، اما افرادی که جایگاه یکسانی دارند، غالباً عادت‌واره‌های یکسانی هم دارند (ریترز، ۱۳۹۳: ۷۰۵). همان‌طور که صدیق سروستانی و قادری (۱۳۸۸) نشان دادند، موادمخدر از نوع تریاک، در این مناطق، با قومیت غالب بلوچ و فارس، شکل غالب و متداول است. درعین‌حال، باورهای تسهیل‌کننده زیادی در این زمینه وجود دارد که نشان‌دهنده تصدی بلندمدت این موقعیت‌ها توسط افراد است و درواقع بخشی از دانش عامیانه و عمومی را در این زمینه تشکیل می‌دهد که درزمینه قاچاق موادمخدر، مشابه مصرف آن عمل می‌کند.

این عادت‌واره‌ها که در هر فردی از قاچاقچیان پدیدار می‌شود، نتیجه تاریخ عملکرد آن‌هاست. بورديو نیز اشاره می‌کند که عادت‌واره‌ها که در فرد معینی تجلی می‌یابد در جریان

سرگذشت فرد کسب می‌شود (ریترز، ۱۳۹۳: ۷۰۶). در بلندمدت، فرد قاچاقچی بدون آنکه بداند و آگاهی داشته باشد، براساس این عادت‌واره در میدان عمل می‌کند و در واقع، همان‌طور که بورديو اظهار می‌کند، عادت‌واره قابلیت‌هایی هستند که فرد در خود درونی کرده و درحقیقت به طبیعت ثانویه برای خویش تبدیل می‌کند، به‌طوری‌که فرد بدون آنکه لزوماً آگاه باشد، براساس آن‌ها عمل می‌کند (دورتیه، ۱۳۸۱: ۲۲۹).

در این میدان به‌وسیلهٔ کنشگران موادمخدر انواع گوناگون سرمایه (به‌خصوص اقتصادی^۱ و اجتماعی^۲) به کار گرفته می‌شود. سرمایه در واقع به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند به‌طور انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با سایر گروه‌ها بهره‌برد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

سرمایه اقتصادی محور فعالیت است و کنشگران موادمخدر برای فعالیت نیاز به آن دارند. این موضوع در مقولهٔ ضمانت‌های غیررسمی تبلور می‌یابد، به‌طوری‌که برای شروع کار باید این سرمایه وجود داشته باشد. نکتهٔ دیگر، سرمایه اجتماعی است که این کار به آن نیاز دارد، به‌طوری‌که از مبدأ تا مقصد، نیاز به اعتماد و اعتبار اجتماعی احساس می‌شود. نکتهٔ حائز اهمیت اینکه سرمایه اقتصادی در این میدان سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند و مبنای عمل است. از سوی دیگر، همان‌طور که بورديو اشاره می‌کند، قدرت بیشترین اهمیت را دارد و سلسله‌مراتب روابط قدرت در این میدان در ساختارمند کردن همهٔ میدان‌های دیگر، مؤثر است (ریترز، ۱۳۹۳: ۷۰۲-۷۰۶). نفوذی که ناشی از شبکهٔ همیاران قاچاق در ساختار رسمی و نظامی و امنیتی است، در این فرایند تعیین‌کننده بوده و تولیدکنندهٔ شکل‌های دیگر سرمایه است. بنابراین، باید توجه کرد که جایگاه افراد در شبکهٔ همیاران قاچاق عمدتاً برحسب سرمایه اقتصادی و اجتماعی تعیین می‌شود. همچنین در این مسیر، مبادلات اقتصادی موادمخدر به‌مرور مبادلات اجتماعی و دادوستد را گسترش می‌دهد، دادوستدی که همراه و هم‌تراز، و ضمانتی برای مبادلات اقتصادی است.

البته در این میدان باید تأکید کرد که قواعد رسمی بازی حاکم نیست، بلکه محور، قواعد غیررسمی است و تفسیر اجتماعی مردم از قاچاق نیز همان‌گونه که سراج‌زاده و عزیززاده (۱۳۹۳) در مورد مصرف موادمخدر نشان دادند، پدیده‌ای بهنجار در اکثر شرایط و موقعیت هاست؛ به این معنی که قاچاق موادمخدر مانند مصرف موادمخدر در منطقه مسئله‌ای اجتماعی تلقی نمی‌شود.

1. Economic capital
2. Social capital

قواعد عمل در این میدان، با قواعد عمل در میدان‌های دیگر و به‌خصوص در میدان‌های رسمی متفاوت است؛ زیرا میدان رسمی قدرت به دنبال نابودی و برخورد با آن است. به همین دلیل، در بعد اقتصادی و مبادلاتی، در این میدان از ضمانت‌های غیررسمی و صوری استفاده می‌شود. این ضمانت‌های غیررسمی ساختار پیچیده‌ای از روابط و هنجارها را پیرامون این پدیده شکل می‌دهند که عمدتاً مبنای آن‌ها انواع سرمایه‌ها (سرمایه اجتماعی و اقتصادی) است، سرمایه اجتماعی که به شبکه روابط قوی نیاز دارد و نیز سرمایه اقتصادی که به شبکه‌ای از روابط اقتصادی غنی و قدرتمند نیازمند است.

همچنین، در این میدان شکل خاصی از سیستم دادرسی و قضایی شکل می‌گیرد، به طوری که دیگر به مراجعه به محکمه و دادن شکوائیه نیاز نیست، بلکه خود قاچاقچیان نظامی، توافقی سخت و خشن، از روغن دادن گرفته تا قتل و آدم‌ربایی را در بین قاچاقچیان محلی و خاطی اجرا می‌کنند. درواقع، همان‌طور که بورديو اشاره می‌کند، میدان، دارای اصول مشترک و قانون اساسی خود است. درواقع، از نظر بورديو، در میدان، الزامات ساختاری وجود دارد که به‌صورتی کم‌وبیش عمیق موازنه نیروها را درون میدان‌های مختلف تغییر می‌دهد و بر آنچه در این میدان‌ها انجام شده و تولید می‌شود، تأثیر می‌گذارد (بورديو، ۱۳۸۷: ۹۷).

درمجموع، در این فرایند یک میدان خاص شکل می‌گیرد که محصول اجتماعی است. یک برساخته اجتماعی که در طول تاریخ زندگی مردم این منطقه شکل گرفته و اکنون به یک ساختار تبدیل شده است؛ ساختاری که بسیاری از کنش‌های این جامعه را شکل و جهت می‌دهد.

سرانجام، همان‌طور که بورديو (۱۳۸۷) اشاره می‌کند، این میدان نیز به دلیل سازمان‌دهی یا ساخت‌یابی و شیوه کارکرد و عملکردش شباهت‌های زیادی با میدان‌های دیگر دارد. هریک از میدان‌ها دارای حاکم و محکوم، سلطه‌گر و تحت سلطه، مبارزه برای حذف و طرد یا غصب و تصاحب و مکانیسم‌های بازتولید مختص به خویش است، اما همه این ویژگی‌ها در هر میدان شکل خاص و تقلیل‌ناپذیری پیدا می‌کند. وجود شبکه‌ای از مشاغل و سلسله‌مراتب آن‌ها نمونه‌ای از میدان دارای سلطه‌گر و تحت سلطه است.

منابع

- ازکیا، مصطفی، حسین ایمانی جاجرمی و زهرا فرضی‌زاده میاندهی (۱۳۹۰) *روش‌های کاربردی تحقیق-کاربرد نظریه بنیانی*، تهران: کیهان.
- استروس، انسلم و جولیت کربین (۱۳۹۱) *مبانی پژوهش کیفی- فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشرنی.

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱) *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱) *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰) *بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شورای اسلامی شهر، روش‌های کاربردی تحقیق-کاربرد نظریه بنیانی*، تهران: کیهان.
- بندریان، اسفندیار (۱۳۹۱) «بررسی پدیده قاچاق مواد مخدر و ضرورت مطالعات آمیسی منطقه مرزی ایران و افغانستان بر پایه ایجاد چند ناحیه حایل بین مرزی»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، https://www.civica.com/Paper-NCBCS01-NCBCS01_022.html
- بورديو، پير (۱۳۸۶) *علم علم و تأمل‌پذیری*، ترجمه یحیی امامی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- بورديو، پير (۱۳۸۷) *درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر آشیان.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۸۷) *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) *پیر بورديو*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نشر نی.
- دورتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۱) *پیر بورديو انسان‌شناس*، جامعه‌شناس (به یاد بورديو)، ترجمه مرتضی کتبی، *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۱: ۲۲۵-۲۳۴.
- سراج‌زاده، سیدحسین و امید عزیززاده (۱۳۹۳) «برساخت اجتماعی مصرف مواد مخدر و اعتیاد در شهرستان رودبار جنوب»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲: ۲۷۳-۲۹۶.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و آرش نصر اصفهانی (۱۳۸۹) «اعتیاد، طرد اجتماعی و کارتن‌خوابی در شهر تهران؛ پژوهش کیفی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۱: ۴-۱۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و صلاح‌الدین قادری (۱۳۸۸) «هنجارهای تسهیل‌کننده مصرف مواد مخدر (تریاک و نظایر آن) در میان خرده‌فرهنگ‌های قومی ایران»، *فصلنامه دانش/انتظامی*، سال دهم، شماره ۲: ۸۵-۱۰۳.
- صادقی، زمان (۱۳۹۴) *فرهنگ واژگان جنوب کرمان*، تهران: نشر فرهنگ عامه.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) «پیر بورديو: پرسمان دانش و روشنفکری»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۵: ۱۴۱-۱۶۱.

- کرمی، محمدتقی و محمدمهدی اعتمادی فر (۱۳۸۹)، «ساخت اجتماعی اعتیاد در ایران»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۴: ۹۳-۱۱۰.
- گیدنز آنتونی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- گزارش جهانی موادمخدر (۲۰۱۸) دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)، <https://www.unodc.org/wdr/index.html> ۲۰۱۸
- لش، اسکات (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی پست مدرنیسم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۹۱) *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰) *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- موسایی میثم و سعید گرشاسبی فخر (۱۳۸۹) «بررسی رابطه بین بیکاری و قاچاق موادمخدر در ایران»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۲: ۱۴۵-۱۶۷.
- مرتضوی، سعید (۱۳۸۸) *قاچاق موادمخدر و روان‌گردان‌ها (سیاست‌های جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین‌المللی)*، تهران: مجد.
۳۷. خبرگزاری‌ها:
- Behera, Bhagaban,(2013), “Drug Trafficking as a Non-traditional Security Threat to Central Asian State”, *Jadavpur Journal of International Relation*, 17 (2): 229-251.
- Benson, Janas S. (2010), *The Organization Structure of International Drug Smuggling*, School of Criminology and Criminal Justice, USA: Arizona State University.
- Calderon, Gabriela; Gustavo Robles, Beatriz Magalia (2012), *The Economic Consequences of Drug Trafficking, Violence In Mexico Poverty And Governance*, Stanford: Stanford University.
- Charmaz, Kathy (2006), *Grounding Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*, London: Sage Publication Ltd.
- Charmaz, k. (2008), ”Ground Theory as an Emergent Method. In S. N. Hesse-Biber & Peavey”, (Eds), *Handbook of Emergent Method* New York: The Guilford Press, pp: 155-172.
- Devendra Dutt (2011), Causes and Effects of Production and Trafficking of Illicit Drugs in Afghanistan, International Conference “Indian and Central Asian Perspectives on Afghanistan, <http://www.incb.org/>

documents/Publications/AnnualReports/AR2017/Annual_Report/E_2017
_AR_ebook.pdf.

<http://www.irna.ir/news>

<http://www.mizanonline.com/fa/news>

<http://www.yjc.ir/fa/news>

Juliet Corbin and Anselm Strauss (1990), "Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria", *Qualitative Sociology*, 13: 3-21.

M.A.D.S.J.S Niriella (Jeeva Niriella) (2012), *Effective Measures In Eliminating Illicit Drug Using And Trafficking: Sri Lankan Experience*, E. Department of Public and International Law, Faculty of Law, University of Colombostock Exchange, SriLankan Press.

Meleod J. (2002), *Qualitative Research in Counseling and Psychotherapy*, CA Thousand Oaks, New Delhi: Sage.